فانوس

ویژه‌نامه دوازدهمین جشنواره مردمی فیلم عمار | ویژه نامه افتتاحیه، ۱۸ دی ۱۴۰۰

رسالت جشنواره عمار، نترسیدن است ۱
مستند آورتین اثری درخور توجه است ۲
تلویزیون هم با اکران‌های ما می‌سوخت! ۳
عمار محلی برای تامل و تعامل ۳
از انتقاد به عمار تا عمار انتقادی ۴

خبر

» جشنواره مردمی فیلم عمار به ایستگاه دوازدهم رسید. قرار است دوازدهمین جشنواره مردمی فیلم عمار با محوریت «قهرمانان علم و بزرگداشت دانشمندان شهید» از تاریخ ۱۸ تا ۲٤ دی ماه برگزار شود. افتتاحیه و اختتامیه این جشنواره در تالار اندیشه حوزه هنری و اکران فیلم‌های منتخب از ۱۹ تا ۲۳ دی ماه همانند سال‌های گذشته در قالب‌های داستانی، مستند، پویانمایی و نماهنگ در سینما فلسطین تهران انجام می‌شود. طبق اعلام دبیرخانه این جشنواره قرار است در افتتاحیه از مرحوم محمدسرور رجایی، شاعر و نویسنده افغانستانی به صورت ویژه تقدیر به عمل آید. همچنین فیلم سینمایی «فرزند صبح» به کارگردانی و نویسندگی بهروز افخمی که به زندگی امام خمینی (ره) از کودکی تا دستگیری می‌پردازد پس از یازده سال، در افتتاحیه این جشنواه اکران می‌شود.

جشنواه مردمی فیلم عمار شامل ١٤ بخش می‌باشد که در شب افتتاحیه برگزیدگان بخش‌های «نماهنگ»، «فیلم ما»، «برنامه تلویزیونی»، «پویانمایی» و «فیلم‌نامه» اعلام می‌شوند.

همزمان با برگزاری دوازدهمین جشنواره مردمی فیلم عمار، فیلم‌های این جشنواره در دو بستر آنلاین و حضوری در سراسر کشور اکران می‌شوند. در اکران‌های حضوری نیز همانند سال‌های گذشته، علاقه‌مندان در صورت دارا بودن حداقل امکانات پخش فیلم برای گروه هدف، می‌توانند آثار این دوره از جشنواره را دریافت و در مسجد، هیئت، دانشگاه، مدرسه علمیه، پایگاه بسیج و ... اکران کنند. تمامی علاقه‌مندان به اکران آثار دوازدهمین جشنواره مردمی فیلم عمار می‌توانند با مراجعه به سایت «اکران مردمی» برای نمایش فیلم‌های این دوره از جشنواره ثبت‌نام کنند.

طبق اعلام دبیرخانه جشنواره نیز از مسعود جعفری جوزانی کارگردان آثاری چون شیر سنگی، در چشم باد و... در اختتامیه، تقدیر ویژه‌ای خواهد شد.

# قهرمانان علم

## حماسه هایی که بدون راوی ماندند

» «ایران اسلامی دانشمندان برجسته بسیاری دارد که بازنمایی شخصیت‌شان و به تصویر کشیدن تلاششان، گمشده‌ی امروز رسانه‌ی ماست، دانشمندانی که برای تکمیل و تثبیت پیشرفت‌های باشکوه و دستاوردهای درخشان کشور مجاهدانه و غیورانه گام برمی‌دارند.

» موضوع محوری این پوستر دعوت به روایت تصویری دانشمندان مسلمان است. فراخوانی برای معرفی قهرمانان علم و فناوری در قاب سینما و تلویزیون؛ این دعوت به پشتوانه بزرگداشت دانشمندان شهید، تلاشی است برای گشودن افقی نو در برابر هنرمندان و اهالی رسانه.

خبر

# رسالت جشنواره عمار، نترسیدن است

صحبت‌های نادر طالب‌زاده دبیر جشنواره در نشست خبری دوازدهمین دوره جشنواره مردمی فیلم عمار

**عماری‌ها نگهبانان انقلابند**

جشنواره عمار، بستری جدی و استخوان‌دار و گسترده در کل وطن ماست و ان‌شالله به زودی در صداوسیما هم شاهد این تحول خواهیم بود.

جشنواره عمار در واقع، یک فکر و کانسپتی است که می‌توان گفت ریشه‌های آن را شهید آوینی ساخته است، این جشنواره، بستری شده است که جوانان در آن دیده می‌شوند.

متاسفانه امروز بسیاری از افراد حتی دولتمردان ما نمی‌دانند انقلاب اسلامی برای چه بوده و چه هدفی را دنبال می‌کند به همین دلیل، ما درگیر برجام و برجام‌ها می‌شویم، خوشبختانه جشنواره عمار در حوزه جنگ نرم و تفکر شعله‌هایش به خوبی برافروخته شده است. اگر بخواهم این رویداد را تشریح کنم، شرکت کنندگان در جشنواره عمار نگهبانان انقلابند، جوانانی خوشفکر که دغدغه انقلاب را دارند.

**پست‌ها تغییر می‌کند اما هدف و کار ما، نه**

عمار توانسته در این نقطه یعنی دوازدهمین دوره خودش با خیلی از جوانان حرفه ای وارد کار شود، جوانانی که اهل نوشتن، فیلمسازی و ساخت سریال به صورت حرفه‌ای هستند و ما از کارهایشان به وجد آمده‌ایم مثل مستند دیپورت آقای حسینی که در واقع اینها خروجی‌های عمار هستند. این کارها برد بین‌المللی دارند و حتی باید زیرنویس شوند و رویشان کار کرد. البته در برخی از جاها ما نگهبانان خوبی نبوده‌ایم که آن هم به دلیل سن کم و بی‌تجربگی برخی جوانان عماری و ترس ناشی از شرایط امنیتی است. چه کسی ما را می‌ترساند و چه کسی باید در مقابل این ترس‌ها بایستد؟ جشنواره عمار، هویت انقلابی دارد و ما به دنبال اهداف انقلاب هستیم، متاسفانه تلویزیون، حوزه هنری، فارابی و... احتیاط درباره پرداختن به اهداف انقلاب احتیاط می‌کنند. رسالت جشنواره عمار نترسیدن در این نبردهای نرم است.

ما امیدواریم که بتوانیم در تلویزیون حرف‌های بیشتری بزنیم، این مسئولان باید بدانند که انقلاب اسلامی حفظ کردنی و نترسیدنی است چرا که این پست‌ها تغییر می‌کنند اما هدف و کار ما نه.

**نباید کارهای دکوراتیو انجام داد**

بچه‌های عماری نباید بترسند و به دنبال اصلاح فسادها و مسائل باشند و به دنبال فرمان امام مبنی بر اینکه «مصادره نکنید مال مردم را» بروند و نترسند. رهبر انقلاب هم در هیچ کجا نقد را ممنوع نکردند و گفتند به دنبال نقد کردن باشید.

به قول رهبر انقلاب نباید کارهای دکوراتیو انجام داد بلکه به دنبال کارهای واقعی بود. جشنواره عمار جای جلوی شک‌ها، ایستادن است و جای مستندسازی در این زمینه‌هاست.

گفت‌وگو

# ذائقه‌سازی برای مخاطب

## گفت‌وگو با حجت غیب‌ا... زاده، مسئول اکران‌های مردمی جشنواره فیلم عمار

» اکران مردمی شکل گرفت تا این خلأها را پوشش دهد: اگر فیلمی در بالاترین نقطهٔ تهران اکران می‌شود، هم‌زمان در دورافتاده‌ترین نقطهٔ کشور نیز این دسترسی ممکن باشد.

**» ایدهٔ اکران‌های مردمی از کجا شکل گرفت؟**

سال ۱۳۸۹، در سالگرد فتنهٔ ۸۸ و روز بصیرت، قرار بود یک سری تولیدات فرهنگی از صداوسیما پخش شود. بنا به دلایل مختلف، صداوسیما زیر بار پخش این آثار نرفت. ازاین‌رو، فعالان فرهنگی تصمیم گرفتند که این‌ها را به خود مردم برسانند که در کل کشور اکران شوند. آن سال فیلم‌هایی مانند ایران سبز در حدود سی نقطهٔ کشور، به‌صورت اکران‌های مردمی، به نمایش درآمد. اساس شکل‌گیری جشنوارهٔ عمار هم همین اکران‌های مردمی بود. برند و رسانهٔ جشنوارهٔ عمار نیز همین اکران‌های مردمی است. دلیل دیگر شکل‌گیری اکران‌های مردمی به پراکندگی سینماها برمی‌گردد. سینما به این معنا که مردم کل کشور با آن درگیر شوند، چند درصد توانسته موفق باشد؟ آن موقع هم مشخصاً وضع فجیع‌تر از چیزی بود که الان هست. ما الان شاید هزار نقطهٔ فعال نمازجمعه داریم ولی ۱۵۰ تا ۲۰۰ شهر هستند که سینما دارند. بعضی از شهرها هم سینما دارند اما غیرفعال است. با وجود این، اگر بقیهٔ شهرستان‌ها، بخش‌ها، روستاها و مجموعه‌های دیگر بخواهند از این ظرفیت استفاده کنند، باید چه‌کار کنند؟ اکران مردمی شکل گرفت تا این خلأها را پوشش دهد: اگر فیلمی در بالاترین نقطهٔ تهران اکران می‌شود، هم‌زمان در دورافتاده‌ترین نقطهٔ کشور نیز این دسترسی ممکن باشد.

از جنبهٔ دیگر که بخواهم بگویم، خیلی از فیلم‌ها این فرصت را ندارند که در سینمای رسمی کشور دیده شوند. در حوزهٔ مستند هم کسانی که خودشان را متولی سینمای مستند و سینمای کوتاه می‌دانند، معتقدند برای سینمای مستند بازاری نداریم. تهیه‌کننده با پول شخصی مستند را می‌سازد. بعد از ساخت به صداوسیما عرضه می‌کند و به همان حداقل پرداختی راضی می‌شود. اگر هم در ارتباط با صداوسیما توانمند نباشد، در نهایت باید با یک سری مجموعه سروکلّه بزند تا تهیه‌کنندهٔ کار شود. شبکهٔ اکران مردمی طی این دوازده سال توانسته چندین مستند مانند عابدان کهنز، بانو و تهران‌دمشق را با فروش درخور توجهی همراه کند.

**» چه نوع فیلم‌هایی برای اکران‌های مردمی انتخاب می‌شوند؟**

فیلم‌هایی در این سازوکار قرار می‌گیرند که حرف مردم باشد. حرف مردم یعنی چه؟ یعنی دغدغه‌های مردم را بیان کند. برای مثال امیدیه دربارهٔ خلاصهٔ اتفاقاتی است که در امیدیه افتاد و مطالبهٔ عام مردم به‌دنبال آن شکل گرفت و منجر به اقدام اجتماعی شد. یک بحث دیگر مربوط به حوزهٔ جبههٔ مقاومت است. در این بخش، سینما به کمک آمد و مردم باخبر شدند که در حوزهٔ مقاومت و مدافعان حرم چه خبر است. در حوزهٔ اقتصادی هم که حضرت آقا تأکید ویژه‌ای دارند، راهکارها و ایده‌های شکل‌گرفته از طریق اکران‌های مردمی به گوش مردم و اکران‌کنندگان می‌رسد.

**» نحوهٔ اکران به چه صورت است؟**

اکران‌های مردمی جشنواره بسیار متنوع شده است. قبلاً به این صورت بود که به رابطین استانی و شهرستانی سی‌دی می‌رساندیم. اکران‌کنندگان نیز از رابطین می‌گرفتند. الان به این صورت است که اکران‌کنندگان به‌صورت مستقیم به فایل‌ها دسترسی دارد. مورد دیگر اکران برخط است. اگر به هر دلیلی دوستان نتوانند در مسجد، مدرسه، دانشگاه و... اکران کنند، می‌توانند در سایت به‌صورت گروهی ثبت‌نام کنند و دسته‌جمعی فیلم را تماشا کنند. حتی به‌صورت شخصی و در منزل هم می‌توانند از فیلم‌ها استفاده کنند.

**» استقبال چطور بوده است؟**

بعد از دوازده سالی که از عمر عمار می‌گذرد، بیش از ۳۰هزار اکران‌کننده در کشور داریم که شبکهٔ اکران مردمی را شکل داده‌اند. از آثار و برکاتش این است که توانستیم بر سینمای رسمی کشور هم تاثیرگذار باشیم. فیلم‌هایی از جنس منطقهٔ پروازممنوع، بنیامین، بیست‌وسه نفر و همین اواخر فیلم منصور توانستند پابه‌پای فیلم‌های رسمی سینما مخاطب جذب کنند و فروش داشته باشند. فیلمی مثل منطقهٔ پروازممنوع، حدود ۱میلیارد و ۱۶۰میلیون تومان فروش داشت، با حدود ۳۰۰هزار نفر مخاطب. به‌جرئت می‌توانم بگویم این فیلم از ۴۰ یا ۵۰درصد فیلم‌هایی که در بدنهٔ رسمی اکران می‌شود، مخاطب بیشتری را توانسته بود جذب کند.

**» اهداف و آیندهٔ این اکران‌ها به چه شکل است؟**

هدف ما این است که بتوانیم عدد درخور توجهی را از مخاطبان سینمای انقلاب، تبدیل به مشتری کنیم. سینمای ایران در خوشبینانه‌ترین حالت ممکن حدود ۳میلیون نفر بیننده دارد. اگر ما بتوانیم ۱میلیون نفر به این جمعیت اضافه کنیم، دستاورد مالی چشمگیری را می‌تواند برای سینمای انقلاب ایجاد کند. همچنین، باعث جهش عجیب و عظیمی در حوزهٔ تولیدات سینمای انقلاب می‌شود. نکتهٔ بعد، اصلاح ذائقهٔ مخاطب است. با توجه به اینکه هرساله بخشی از فیلم‌هایی که در بدنهٔ رسمی سینمای ایران اتفاق می‌افتد، دغدغه و حرف مردم است و جدا از بحث سرگرمی می‌تواند محتوای سالمی به مخاطب برساند، نکتهٔ بعد این است که از جریان سینمای انقلاب بتوانیم حمایت کنیم؛ به این معنی که در حوزهٔ مستند، فیلم کوتاه، انیمیشن و... بدون دغدغه فیلم تولید شود.

» هدف ما این است که بتوانیم عدد درخور توجهی را از مخاطبان سینمای انقلاب، تبدیل به مشتری کنیم.

**» سینمای چه شهرهایی به‌واسطهٔ فیلم‌های عمار فعال شدند؟**

برای مثال در فیلم منصور، اردکان را داشتیم که سینمایش غیرفعال بود. خانم ابویی که اکران‌کنندهٔ ما بود، سینمای شهر را فعال کرد و باعث شد سینمای تعطیل به فروش چشمگیری برسد. سینمای گلشن نیز بعد از مدت‌ها تعطیلی، توانست با فیلم منصور رکوردشکنی کند. این کار هم با تلاش و مجاهدت‌های آقای خدادادی و دیگر دوستان در شبکهٔ اکران مردمی اتفاق افتاده است. بسیاری از مکان‌ها نیز وجود دارند که به‌صورت جدی تعطیل‌اند. در شهرهایی مانند پل‌دختر و ازنا و قم از ظرفیت سالن‌های سازمان تبلیغات و ادارهٔ ارشاد استفاده شده تا به دیده‌شدن و اقتصاد فیلم کمک شود.

» در حوزهٔ مستند هم کسانی که خودشان را متولی سینمای مستند و سینمای کوتاه می‌دانند، معتقدند برای سینمای مستند بازاری نداریم.

گفت‌وگو

گفت‌وگو با حسن وزیرزاده؛ کارگردان مستند آورتین

# فیلم‌سازی را از مسجد شروع کردم

حسن وزیرزاده، مستندساز جوان، متولد ۱۳۶۶ در جهرم و ساکن تهران است. او مدرک کارشناسی کارگردانی از دانشگاه صداوسیما تهران دارد.

**» چه شد که به‌سراغ این بخش از زندگی حاج‌قاسم رفتید؟**

در صحبتی که با مجموعهٔ رضوان کردیم، قرار شد مستندی از حاج‌قاسم ساخته بشود و اغلب سفارش‌ها هم یک سیر زندگی از تولد تا شهادت را شامل می‌شد. با دیگر دوستان و آقای رکنی کار تحقیق را شروع کردیم و همچنین از تجربیات حسن زلفی در فیلم‌های جنوب شرق بهره بردیم. در نهایت، به این نتیجه رسیدیم که موضوع مستند خیلی مهم است و باید با حساسیت انتخاب شود. از طرفی، شاهد مستندهای زیادی از سیر زندگی حاج‌قاسم بودیم و تصمیم گرفتیم به موضوعی بپردازیم که تاکنون به آن اشاره نشده بود.

**» پیش از این هم تجربهٔ چنین کاری داشتید؟**

حدود دوازده سال است که با مجموعه‌های روایت فتح و حقیقت به مستندسازی و همکاری مشغولم و عموماً در مسائل برون‌مرزی، مدافعان حرم، شهدا و این اواخر مسئلهٔ کرونا تجربهٔ کاری داشته‌ام؛ اما مستندسازی از این برههٔ زندگی حاج‌قاسم در نوع خود تجربهٔ جدیدی بود.

**» یکی از نقاط قوت این مستند روایت از مجرمین بود. این کار را چطور پیش بردید؟**

این کار هم چالش‌ها و ملاحظات خودش را داشت و هماهنگی‌ها به‌سختی انجام می‌شد. اگر هم‌رزمان و دوستان حاج‌قاسم با ما همکاری نمی‌کردند، احتمالاً موفق به مصاحبه با مجرمین و خانواده‌هایشان نمی‌شدیم. آقای داورپناه که مسئول اطلاعات وقت جنوب شرق و از یاران حاج‌قاسم بودند، کمک زیادی به ما کردند. حتی از آقای عباس عبدی هم که خودشان از مجرمان آن زمان بودند و البته الان از حافظان قرآن هستند، کمک گرفتیم. بعد از آن هم طایفهٔ جاویدانی که از طوایف بزرگ هستند، پای کار آمدند. این مصاحبه‌های مردمی باعث شد کار از حالت کلیشه‌ای خارج شود و به دل مخاطب بنشیند.

**» واکنش و نظر مردم به حاج‌قاسم چطور بود؟**

آن منطقه هنوز هم با مشکلاتی روبه‌رو است؛ ولی نامه‌های حاج‌قاسم را دارند و از همان طریق پیگیر حل مشکلاتشان هستند؛ البته باید این نکته را ذکر کنم که اگر این مسائل حل نشود، امکان تشدید همان مسائل وجود دارد. موضوع جالبی که آنجا به چشم دیدیم خانه‌های ساده و کوچکی بود که بلااستثنا عکس حاج‌قاسم و آقا را روی دیوار منزلشان نصب کرده بودند و این نشان از خدمت خالصانهٔ حاج‌قاسم و ارادت مردم یک منطقه به اوست.

**» به نظر شما، چه ظرفیت‌ها و موضوعات مشابه دیگری وجود دارد که می‌توان به آن‌ها پرداخت؟**

موضوعی که خیلی برای ما اهمیت داشت این بود که آورتین سیاسی و شعاری نشود. ما حتی در این مستند خیلی به حاج‌قاسم نپرداختیم تا مستند یک‌طرفه مطرح نشود. موضع امنیت یک موضع ملی است و همهٔ مردم باید فارغ از نگاه سیاسی با آن درگیر شوند. به نظر می‌آید ما یک مقدار در مسیر تاریخ نابلد هستیم و باید موضوعات امنیتی و تاریخی را بیشتر مدنظر قرار بدهیم. گاهی مستندسازهایی هستند که درگیر حواشی و مسائل حاشیه‌ای می‌شوند؛ در صورتی که موضوعات بسیار مهمی مثل همین امنیت و جنوب شرق وجود دارد که حتی اسمشان به گوشمان نخورده است. یکی از موضوعات دیگر شهید شوشتری است. واقعاً ما یک چیزهایی از شهید شوشتری شنیدیم که شاید کمتر از حاج‌قاسم نباشد. برای همین نظر من این است که در حوزهٔ امنیت مستندهای بسیاری می‌توانیم بسازیم که بخش کوچکی از آن مربوط به جنوب شرق است.

**» چطور شد که این مستند را برای جشنوارهٔ عمار فرستادید؟**

من فیلم‌سازی را از مسجد شروع کردم. اکنون هم موضوع مستند یک موضوع مردمی است و عمار هم یک جشنوارهٔ مردمی است که اکران‌ها و نگاه مردمی دارد. به نظر من، عمار فضای مناسبی برای این قبیل مستندها دارد.

یادداشت

# مستند آورتین اثری درخور توجه است

بتول بادام
ندوینگر و محقق تاریخ شفاهی

**پرداختی چندجانبه از چند موضوع با ارائهٔ تصویری ملموس از حاج‌قاسم**

انقلاب و جنگ و وقایع تاریخی، موضوعات پرکششی است که پرداختن به آنان به مسائل امروز راه پیدا می‌کند و گاه می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای جامعه باشد. یکی از این موضوعات، مسائل و مشکلات پس از جنگ است.

مستند آورتین، با نگاهی چندجانبه، به ناامنی‌های داخلی پس از جنگ می‌پردازد. نگاهی مطالبه‌گر که با ایجاد سؤال سعی در طرح بحثی گسترده دارد. حال، سؤال ایجاد می‌شود که چرا نام اثر آورتین است؟ برای یافتن پاسخ باید آنچه در معرفی مستند آمده است، مرور کنیم: «آورتین منطقهٔ صعب‌العبور و کوهستانی در کرمان، مکانی امن برای اشرار است. بعد از جنگ، ناامنی‌هایی در مناطق جنوب شرق توسط اشرار به وجود می‌آید. عمدهٔ این اشرار از افراد فقیر روستاها هستند که برای سیرکردن شکم خود به این راه روی آورده‌اند.

در نهایت، حل این مشکل به لشکر ۴۱ سیدالشهدا به فرماندهی حاج قاسم سلیمانی سپرده می‌شود.» پس از دانستن وجه تسمیه این نام، قدم به مستند می‌گذاریم و همراه می‌شویم با فردی که در سال ۱۳۶۲ و در بحبوحهٔ جنگ به لشکر ۴۱ محمدرسول‌الله پیوست تا با سلاحی به‌نام دوربین به ثبت وقایع بپردازد. با پایان یافتن جنگ، این دوربین بر زمین گذاشته نمی‌شود و در اوایل دههٔ هفتاد، با طرح کردن یک سؤال و سفر به مناطق محروم جنوب شرق با وقایع همراه می‌شود.

این فرد با ثبت تصاویر، مخاطب را به اهمیت مستندنگاری آگاه می‌کند. در یک‌سوم اول مستند، با دیدن محرومیت‌ها این سؤال در ذهن ایجاد می‌شود که اگر قرار است در این مناطق فقر ریشه‌کن شده باشد، پس چرا هنوز شاهدش هستیم؟ جلوتر که برویم می‌بینیم مستند چنین ادعایی ندارد؛ بلکه به زبانی ساده، یک الگوی صحیح را ارائه می‌کند و نشان می‌دهد که خود مطالبه‌گر است، نه مدعی.

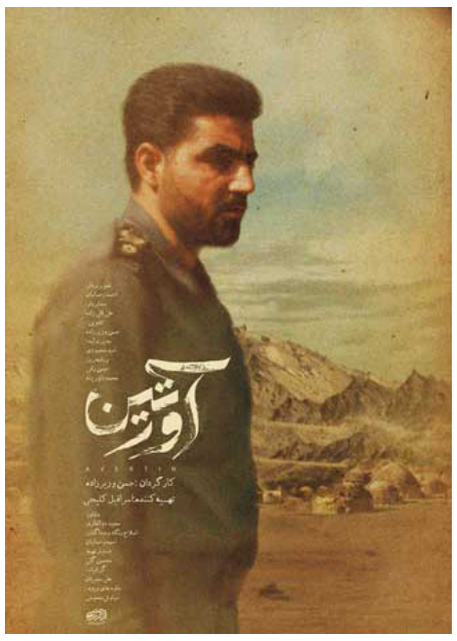


این مستند در عین حال که از بزرگ‌ترین رویداد تاریخی در دههٔ هفتاد پرده برمی‌دارد، یک چهرهٔ ملموس از قهرمانی ملی نیز ارائه می‌دهد. چهره‌ای به‌دور از توصیف‌های بی‌خاطره و بی‌هویت. در آورتین می‌توان قاسم سلیمانی را لمس کرد و شناخت. آدمی که در رویارویی با شرورترین افراد، با تدبیر و آتش‌به‌اختیار بودن و دل‌سوزی و جدیت، پیروز میدان است. مستند پژوهش‌محور آورتین دو موضوع را در بازهٔ چندساله دنبال می‌کند: عدم امنیت و حاج‌قاسم. و به‌حق خوب توانسته از پس آن برآید.

نکاتی که مغفول مانده شاید کندی روایت است که می‌توانست با شور بیشتری بیان شود و استفاده‌نکردن از موسیقی و آوازهای محلی است و نیز روایت آدم‌های متعددی که جلوی دوربین می‌آیند و گاه باعث سردرگمی مخاطب می‌شوند؛ اما از دوسوم نهایی، مستند سیری داستانی پیدا می‌کند و این تعلیق را به وجود می‌آورد که در پایان چه خواهد شد.

این مستند اثری درخور توجه است و با اشاره به تبعات فقر، این نکته را مطرح می‌کند که کشور نیازمند نگاهی جدی و مسئولانه است.

گفت‌وگو

گفت‌وگو با سیدمجتبی خیام الحسینی؛ کارگردان مستند شهرک دارخوین

# غریبستان

## می‌خواستم گرد غربت را از روی دارخُوین بردارم

مجتبی خیام الحسینی اصفهانی که کارنامهٔ پرباری در حوزهٔ ساخت مستند در سطح ملی دارد، این بار دست روی سوژه‌ای محلی گذاشته که شاید کمتر اصفهانی‌ای، در سال‌های بعد از جنگ، به‌سراغ آن رفته باشد. او با تولید مستند شهرک دارخُوین خواسته تا خاک غربت را از روی سرزمینی که خاطره‌های بسیاری برای رزمندگان اصفهانی دارد، بردارد و نقش مهم این شهرک را در سال‌های دفاع مقدس یادآوری کند. سرزمینی که به اعتقاد مردان جنگ‌رفتهٔ آن سال‌ها، بسیاری از شهدای اصفهانی در پایگاهش تربیت شدند و ره صدساله را یک‌شبه پیمودند. آنچه در ادامه می‌خوانید گفت‌وگوی ما با کارگردان این اثر ارزشمند، سیدمجتبی خیام الحسینی است.

**» ایدهٔ کار از کجا به ذهن شما رسید؟**

سال ۱۳۹۸، ستاد راهیان نور سپاه صاحب‌الزمان، پیشنهاد کرد مراسم اعتکافی در مسجد چهارده معصوم شهرک دارخُوین برگزار شود. مسجدی که در زمان جنگ میزبان مراسم معنوی بسیاری بوده است و به‌طور حتم برگزاری این مراسم می‌توانست یادآور خاطرات زیادی برای بچه‌های جبهه و جنگ باشد. ستاد راهیان نور سپاه صاحب‌الزمان، از ما خواست که برای ساخت مستندی از اعتکاف همراهشان باشیم؛ البته نظر ما این بود که در اعتکاف اتفاق خاصی نمی‌افتد؛ ولی حضور ما در این مراسم فرصت خوبی فراهم کرد تا بتوانیم مستندی برای خود شهرک تولید کنیم. همین شد که پیشنهادش را دادیم و پذیرفته شد.

**» گام اول برای ساخت این مستند چه بود؟**

ما در مرحلهٔ اول، چارت شهرک را درآوردیم؛ به این صورت که مشخص کردیم شهرک شامل چه تعداد واحد بوده است. در مرحلهٔ بعد، آمدیم و از هر واحدی یک یا دو نفر را شناسایی و با آن‌ها دربارهٔ خاطراتشان در شهرک صحبت کردیم. حالا ما یک سری خاطره داشتیم و یک سری آدم. در نظر داشتیم از خاطراتی استفاده شود که به ازای آن، تصاویر آرشیوی هم وجود داشته باشد. همین شد که برای ضبط به سراغ آدم‌هایی رفتیم که خاطراتشان مستندتر بود.

**» یعنی شما در این مستند از خاطراتی که عکس یا فیلم داشته استفاده کردید؟**

خاطرات خیلی زیاد بود؛ ولی با توجه به محدودبودن تصاویر، از خاطرات تصویردار، در ساخت مستند استفاده کردیم. عکس و فیلم‌ها را هم از خود بچه‌هایی که برای مصاحبه می‌آمدند و از ارگان‌هایی مثل سپاه و بنیاد حفظ آثار می‌گرفتم؛ البته عکس و فیلم‌ها را هم با توجه به قدیمی‌بودنشان به تهران فرستادیم تا رنگشان اصلاح شود. و خب این موضوع هم در بهترشدن کار بی‌تأثیر نبود.

**» چه تعداد واحد در شهرک دارخُوین شناسایی شد؟**

هفده واحد اعم از بهداری، تدارکات، پشتیبانی، سمعی‌بصری و... شناسایی شد؛ اما حدود دوازده واحد در این مستند حضور پیدا کردند. تقریباً از هر واحد با یک یا دو نفر مصاحبه شد.

**» چه تعداد مصاحبه انجام شد؟**

در مرحلهٔ اول، با شصت نفر تماس گرفتیم و بعد از بین آن‌ها به بیست‌وهشت نفر برای مصاحبه به‌صورت استودیویی رسیدیم. مجموع مصاحبه هم چهل ساعت شد.

**» این مستند ادامه هم دارد؟**

بله؛ در حال حاضر قسمت اول مستند تولید شده است و با توجه به دوقسمتی‌بودن مستند، قصد داریم بخش دوم را به‌صورت کامل‌تر و با سوژه‌های بیشتری در شهرک دارخُوین ضبط کنیم تا از فضای شهرک و حال‌وهوای آن برای ضبط مصاحبه‌ها استفاده شود. من از همین تریبون استفاده می‌کنم و از همهٔ بچه‌های جنگ و رزمندگان لشگر ۴۱ امام‌حسین(ع) و کسانی که از شهرک دارخُوین در سال‌های جنگ، خاطرات یا عکس یا فیلمی دارند، دعوت می‌کنم تا برای ساخت قسمت دوم مستند این موارد را در اختیارمان بگذارند.

**» چرا اسم مستند را همان شهرک دارخُوین گذاشتید؟**

فکر کردیم اگر به همان نام باشد، اسم شهرک بیشتر بر سر زبان‌ها می‌افتد و از این غربت نجات پیدا می‌کند. به نظر من، شهرک دارخُوین فقط برای بچه‌های جنگ شناخته شده و متأسفانه بعد از جنگ، تا همین امروز، آن‌طور که نام شهرک دوکوهه بر سر زبان‌ها بوده، شهرک دارخُوین نبوده و گمنام مانده است.

**» از نظر آقای خیام الحسینی کارگردان، سخت‌ترین جای تولید مستند کجا بود؟**

سخت‌ترین جای تولید، جایی است که شما می‌خواهی کاری را انجام بدهی که دغدغهٔ خودت هست؛ ولی دغدغهٔ خیلی از آدم‌های دیگر نیست. آدم‌هایی که اتفاقاً نقش مهمی در آن زمان داشتند. اینکه بخواهی آن آدم‌ها را توجیه کنی تا برایت وقت بگذارند و بیایند و دربارهٔ موضوع برای تو صحبت کنند؛ اما فایده‌ای نداشته باشد. متأسفانه این مرحله همیشه برای ما آزاردهنده است. همیشه برای من سخت‌ترین و پرزحمت‌ترین و خسته‌کننده‌ترین مرحلهٔ کار، قسمت پژوهش و پیداکردن آدم‌ها و توجیه‌کردن آن‌ها برای مصاحبه و وقت گذاشتنشان است؛ وگرنه در بقیهٔ مراحل مشکلی نیست. اگر یک کمی نیرو صرف کنی، حل می‌شود و کار جلو می‌رود.

یادداشت

یادداشتی درباره مستند شهرک دارخوین

# خرابه‌ای که آبادمان کرد

صفورا شاهینفر

صدای طبل، آغازی حماسی از شروع فیلم است. دوربین در حالت کرین هم این حس را افزایش می‌دهد. اضافه‌شدن موسیقی به افکت طبل، دلهره را با حماسه همراه می‌کند.

فیدشدن عکس‌ها پشت سر هم، با موسیقی و افکت همراه می‌شود و بیننده را در انتظار اتفاقی حماسی در خلاء نگه‌می‌دارد: بیابانی است با خطوطی مورب. نریشن با صدایی آرام زمزمه می‌کند:

شهرک ای خانهٔ آباد دلم
ز تو و روی شهیدان خجلم
تو به من درس وفا می‌دادی
حال، این‌گونه غریب افتادی

نجوا با تصاویری از خرابه‌هایی در بیابان سینک می‌شود. عطش بیننده برای دیدن فیلم بیشتر می‌شود. موسیقی آرام می‌شود و غم، سراپای مخاطب را چشم می‌کند تا کنکاش‌کنان به همراه راوی، تصاویر را دنبال کند.

در جملات اولیهٔ فیلم، خلاصه‌ای از دارخوین، نامی نامأنوس و ناآشنا، برای بیننده روشن می‌شود؛ شهر کوچکی که زمانی خط مقدم جبهه بوده و حالا شده مأمن و استراحتگاه رزمنده‌های اصفهانی. جایی که بیشتر شهدای اصفهان روزگاری در آن زندگی کرده‌اند؛ پلهٔ اول صعود.

قصه با ورود تعدادی تعمیرکار آغاز می‌شود. روایت‌هایی از برپایی تعمیرگاه‌ها، ساخت‌وساز، پخت‌وپز و جنگ، قطار را روی ریل می‌اندازد. از تعمیر ماشین و کولر تا ساخت آشپزخانه‌ای مجهز و کارخانهٔ یخ، همراه با پخت بیست‌وچهارساعتهٔ نان و کیک.

روایت‌ها بوی زندگی می‌دهد: زندگی در شهر کوچک دارخوین؛ فضایی برای بروز استعدادها و خلاقیت‌ها که در صحنه‌صحنهٔ فیلم نه تنها این احساسات جاری است که نرمهٔ آن بر تن مخاطب هم می‌نشیند. روایات به تصاویر لینک می‌شود و درک اتفاقات را ملموس‌تر می‌کند.

برای شروع هر موضوع، انتخاب عکس‌ها و همراهی روایت با آن، خلاقانه و هوشمندانه و با ظرافت انجام شده است. تلفیق روایات و تصاویر گاهی آن‌قدر بهم نزدیک است که قدمت عکس‌ها به خوبی باور می‌شود؛ و تردیدی برای مخاطب باقی نمی‌ماند که درست و به‌جا کنار هم چفت‌وبست خورده‌اند.

داستان آنجا جذاب می‌شود که بیننده برای مرگ لحظه‌شماری می‌کند، اما زندگی می‌بیند. تلاش برای ساخت‌وساز با شوخی و خنده در کنار ذکر و دعا مثلثی از شهری رویایی تصویر می‌کند. زندگی و مرگ آن‌قدر در این مستند بهم تنیده است که گاهی فراموش می‌کنیم شهرک، شهر نیست.

تابوت حاج‌حسین، بیننده را به اصل جنگ برمی‌گرداند و خروج او از دارخوین، ذهن را راهی خرابه‌های به‌جامانده از شهرک می‌کند. جملهٔ راوی در حافظهٔ مخاطب پررنگ می‌شود: «هر چند دارخوین امروز مخروبه است، اما خرابه‌ای است که خیلی‌ها را آباد کرد.»

به امید آبادشدن دارخوین‌ها.

## معرفی فیلم

**ماموریت یازده**

عبارت آپولو به فضا فرستادن به کنایه‌ای تبدیل شده برای کارهایی که انجامشان سخت و ناممکن است. آپولو اولین و تنها فضاپیمایی است که توانست پای انسان را به ماه باز کند، و یکی از رویاهای به ظاهر دست‌نیافتنی بشر را تحقق ببخشد. این سفر فضایی سال ۱۹۶۹ توسط سازمان فضایی ناسا و از خاک ایالات متحده آمریکا اتفاق افتاد. مستند ماموریت یازده یک سوال مهم را مطرح می‌کند. چرا ناسا هیچوقت نتوانست این سفر را تکرار کند؟! سفر انسان به ماه آیا واقعا اتفاق افتاده‌است یا ماموریت آپولو صرفا فریبی رسانه‌ای بوده تا آمریکا در جنگ سرد دست بالاتر را داشته‌باشد؟!

تهیه کننده: محمدجواد رئیسی
نویسنده و کارگردان: علی احمدی

**عملیات‌المپیک**

شنبه ٤ آذر ۱۳۹٦. لهستان، مسابقات کشتی زیر ۲۳ سال جهان. دور اول، وزن ۹۷ کیلوگرم. علیرضا کریمی از ایران در برابر زابرایلوف از روسیه. ۲ دقیقه از کشتی باقی مانده و علیرضا کریمی از حرف روسی ۳ بر ۲ پیش است. مربی علیرضا کریمی از کنار تشک فریاد می‌زند: بباز علیرضا. تکرار می‌کند: علیرضا بباز، باید ببازی. در پایان علیرضا کریمی مسابقه را به حریف روسی واگذار می‌کند. در دور بعد چه چیزی در انتظار علیرضا کریمی بود که نباید با آن روبرو می‌شد؟ مستند عملیات المپیک به تاریخ سفر می‌کند تا به این سوال پاسخ دهد. از جلسه سازمان ملل در سال ۱۹٤۸ تا فینال جام ملت‌های آسیا ۱۹٦۸ ، ورزشگاه امجدیه، مسابقه فوتبال ایران و اسرائیل. از المپیک ۱۹۸۰ مسکو در بحبوحه جنگ سرد تا المپیک ۲۰۲۰ توکیو در میانه همه‌گیری کرونا.

تهیه کننده: امید تهرانی
نویسنده و کارگردان: حسین الهام

**دراکوخار**

مستند دراکوخار داستان ویلاسازی‌ها و احداث طرحی تجاری در منطقه تنگ تکاب شهر بهبهان را روایت می‌کند. طرحی چند ده میلیاردی که مورد اعتراض فعالان محیط زیست است و احداثش ضربه جدی به منابع طبیعی و حیات وحش منطقه می‌زند. روند صدور مجوز برای این پروژه گردشگری بزرگ قدری عجیب و غیر معمول است. آیا زد و بندی سیاسی یا مالی اتفاق افتاده‌است؟

نویسنده و کارگردان: صادق خاتم‌پور

یادداشت

# رزمندگان بی سلاح

## روایت دفاع مقدس به شهادت چهل شاهد

جعفر الهایی

**از ایده تا تشکیل**

علی‌اکبر اورعی که برنامه‌های جنگی رادیو را تهیه می‌کرد، به این فکر افتاد که ثبت و ضبط‌ها قابل‌نمایش باشند و تمام لحظات شکست و پیروزی جنگ را در بر داشته باشند. هرچند خبرگزاری‌ها هم کارهای ثبت و ضبط را انجام می‌دادند، وجه تمایز این ایده در ثبت تمام لحظات شکست و پیروزی و مهم‌تر از همه حضور در عملیات‌ها بود که کاری به تبلیغات رسانه‌ای نداشت و خبرگزاری‌ها، در حین عملیات، این کار را انجام نمی‌دادند. اورعی این ایده را با آقای کمال خرازی، مسئول خبرگزاری جمهوری اسلامی و ستاد تبلیغات جنگ، در میان گذاشت و سپس هستهٔ مرکزی گروه را این دو نفر تشکیل دادند. اورعی به‌دنبال نیروهایی بود که نزدیک مناطق عملیاتی و در دسترس باشند و اغلب به‌دنبال نوجوان درس‌خوان دبیرستانی بود که در صورت اعزام بتواند درسش را جبران کند. بنابراین، جذب اغلب نیروها از مدارس دکتر شریعتی و آیت‌الله طالقانی و شهدای اهواز بود. بیشتر دانش‌آموزان انتخاب شده نمک‌گیر مساجد حاج‌علوان و آخرآسفالت و جوادالائمهٔ پادادشهر بودند. مواردی هم ممکن بود از مدارس و مساجد دیگر اهواز باشند.

**اما چرا چهل شاهد؟**

بیست دوربین فیلم‌برداری هشت میلی‌متری کانن افراد را به بیست گروه دو نفرهٔ فیلم‌بردار و کمک‌فیلم‌بردار تقسیم کرده بود. کمک‌فیلم‌بردار عمل صدابرداری را انجام می‌داد و گاهی مصاحبه هم می‌کرد. این حلقهٔ اولیهٔ چهل شاهد ابتدا یک سری نکات کاملاً ابتدایی، در حد خاموش و روشن کردن و زوم و بک، یاد گرفتند. همچنین، نکات ایمنی دربارهٔ محافظت از دوربین و لنز آموزش داده شد. به هر فیلم‌بردار بیست حلقه فیلم سه دقیقه‌ای می‌دادند. این آموزش اولیه در پارک باغ معین برگزار می‌شد و بعد از آن در اتاق خبرگزاری، واقع در امانیه. کار گروه هم هم‌زمان با عملیات بیت‌المقدس شروع شد.

**مسئولیت جدید**

مبنای کار، تصویربرداری با دوربین‌های سبک هشت میلی‌متری بود؛ اما پس از مدتی، با تجزیه‌وتحلیل وقایع و آثار دریافتند که عکس نیز می‌تواند از جایگاه ویژه‌ای برخوردار گردد. عملیات والفجر مقدماتی در ۱۷ بهمن ۱۳۶۱ آغاز شد و منطقهٔ چزابه نخستین فرصت این گروه برای به‌رخ کشیدن توانایی‌هایشان بود. از آن پس، گروه به دسته‌های سه نفره تقسیم شد؛ متشکل از یک عکاس، یک فیلم‌بردار و یک کمک‌فیلم‌بردار. در تعدادی از گروه‌ها، گاهی، کمک‌فیلم‌بردار کار عکاسی را نیز انجام می‌داد.

**کلاس درس**

آموزش به اعضای گروه بسیار فشرده و کوتاه‌مدت بود و گاهی طی روزهای اعزام صورت می‌گرفت؛ اما ابتدای سال ۱۳۶۱، در عملیات رمضان، شهید داریوش گودرزی اولین دورهٔ فشردهٔ آموزشی را برگزار کرد. در سال ۱۳۶۲، آقای افشین شاهرودی یک دورهٔ کامل‌تر ترتیب داد و سپس در پاییز ۱۳۶۵، آقایان غلام‌رضا مسعودی و زنده‌یاد کاوه گلستان یک دورهٔ تکمیلی برگزار کردند. بدین جهت، گروه فاقد آموزش آکادمیک و منسجم بود و این امر تا پایان کار چهل شاهد یکی از مشکلات اصلی بود که با شرایط حاکم بر صحنهٔ نبرد اجتناب‌ناپذیر می‌نمود.

**حوزهٔ استقرار**

در هر عملیات، بسته به وسعت آن عملیات، فیلم‌بردار و عکاس به مناطق اعزام و در خطوط مستقر می‌شدند و تا پایان عملیات به ثبت وقایع می‌پرداختند که محوری عمل کردن این نیروها در نوع خود کم‌نظیر بود و به همین علت، پوشش تصویری کامل و مستندی از عملیات صورت می‌گرفت و هر دسته در منطقهٔ عملیاتی تا پایان عملیات، در یک محور، باقی می‌ماند و پوشش تصویری کاملی از منطقه انجام می‌شد.

**سرنوشت گروه**

رفته‌رفته در طول جنگ، این گروه چهل نفره به بیش از صدوبیست نفر می‌رسد و چهارده نفر از آن‌ها شهید و دو نفرشان مفقودالاثر و اغلب دیگر مجروح می‌شوند. آقای علی‌اکبر اورعی ابتدا آقای سیدعلی شیخ السلامی را مسئول و رهبر گروه قرار می‌دهد. بعد از آن، آقای مسعود معین‌پور برای مدت کمی مسئولیت را پذیرفت و در پایان، آقای ناصر محتشم رهبری گروه را در دست داشت.

**سرنوشت آثار**

فقدان سیستم و چهارچوب منسجم، بیشترین ضربه را به ساختار اجرایی گروه وارد کرد و این کاستی باعث شد تا گروه چهل شاهد تنها به جمع‌آوری و بایگانی تصاویر بپردازد. نبود اندیشهٔ سازنده و مبتکر در خصوص استفاده از آثار باعث شد که اکنون انبوه تصاویر موجود، بدون نام و نشانی، در آرشیو بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، باقی بماند. بنا بر شنیده‌ها از این دوازده‌هزار دقیقه چیزی باقی نمانده است و بنیاد حفظ آثار باید در قبال این مسئولیت بزرگ جواب‌گو باشد.

گفت‌وگو

# تلویزیون هم با اکران‌های ما می‌سوخت!

زندگی و فعالیت‌های تربیتی امیر مظفری پرفرازونشیب است. او را همه‌جا و در همهٔ مناصب امور تربیتی می‌توان دید. خاطره‌های تلخ و شیرین او، دربارهٔ واحد نوپای سمعی‌بصری تا خاطرات پشتیبانی جنگ در مدارس، همگی شنیدنی است. نوجوانی استاد مظفری هم‌زمان است با انقلاب و درگیری‌های مدارس.

**یک میز ساده**

اسفند ۱۳۶۰ جذب آموزش‌وپرورش شدم. به‌واسطهٔ معرفی یکی از دوستانم، وارد امور تربیتی شدم. آدرس طبقهٔ بالا را به من دادند و گفتند اتاق امور تربیتی بالاست. در اتاق سه‌چهار تا میز بود. گفتم امور تربیتی کدام است؟ میزی را با کشوهای داغون دیدم که پوسترهای خاک‌خورده روی آن نمایان بود. گفتند امور تربیتی همین است و بعد هم همه رفتند. الان امور تربیتی نظام‌مند شده است و عوامل زیادی دارد که این حاصل زحمات دههٔ شصت است.

**اکران در دریزین**

مسئول بخش سمعی‌بصری امور تربیتی بودم. فیلم‌ها را از تهران می‌خریدم. یادم است دو فیلم سرباز کوچک و بلمی به‌سوی ساحل را از تهران برایم آوردند و با پروژکتور ۱۶EK، تمام مدارس ناحیه را پوشش دادم. با هماهنگی، یک قطار کوچک،به‌اندازهٔ یک مینی‌بوس، به نام دریزین در اختیارم قرار دادند. در نیمی از مناطق اهواز، یعنی از نادری تا نیشکر هفت‌تپه که تحت پوشش ما بود، با دریزین اکران داشتیم. حتی پردهٔ اکران را هم خودمان با ملحفه درست می‌کردیم. کار تازه‌ای بود؛ چون هرجایی که می‌رفتیم بچه‌ها این امکانات و خدمات را ندیده بودند. اینکه سینما را از نزدیک ببینند، صدا را از نزدیک بشنوند، حتی نصب فیلم را ببینند، برای بچه‌ها تجربهٔ تازه‌ای بود.

**تلویزیون هم با اکران‌های ما می‌سوخت!**

قرار بود برای بچه‌ها فیلم دو چشم بی‌سو را اکران کنم. قرار شد مؤسسه‌ای فیلم را برای ما اکران کند؛ اما شرط کرد که برای هر بار اکران، چهارپنج‌هزار تومان باید پرداخت کنیم. معنایش این بود که از هر دانش‌آموزی پنج ریال بگیرم. پرهزینه بود. سراغ مؤسسهٔ دیگری رفتم و توانستم ویدئوکاست فیلم را بگیرم. کاست‌ها معمولاً به‌صورت VHS و UHS بودند. فیلم دو چشم بی‌سو را برای همهٔ مدارس، بدون هزینه‌ای، اکران کردم. یک تلویزیون گروندیک آلمانی داشتم که برای اجرای ویدئوکاست از آن استفاده می‌کردم. آنقدر از آن کار می‌کشیدم که بعضی وقت‌ها بچه‌ها داد می‌زدند: «دود! آتش!» دود سفید از پشت تلویزیون می‌آمد و می‌گفتم: «دیگر برای امروز کافی است.»

**وقتی وسایل اکرانم پهن خیابان شد**

سال ۱۳۶۰ یا ۱۳۶۱ بود که یک تریلی پشت موتور خریدم. دستگاه ۱۶EK و بقیهٔ اثاث را داخلش چیدم و قرار شد بروم محلهٔ آخرآسفالت. از روی سرازیری پایین می‌رفتم و تقریباً به انتها رسیده بودم که بچه‌ها داد زدند: «آقا! آقا! آقا!» گفتم: «چه شده است؟» گفتند: «تریلی‌ات جا مانده است و دارد می‌آید.» برگشتم و دیدم صد متری با من فاصله دارد و به‌سمت پایین سرازیر است. در نهایت هم، خورد به پایهٔ برق و همهٔ وسایل وسط جاده پخش شد. با ناامیدی به‌سمت وسایل رفتم که دیدم الحمدالله همه سالم بودند.

> یک قطار کوچک،به‌اندازهٔ یک مینی‌بوس، به نام دریزین در اختیارم قرار دادند. در نیمی از مناطق اهواز، یعنی از نادری تا نیشکر هفت‌تپه که تحت پوشش ما بود، با دریزین اکران داشتیم.

یادداشت

# عمار

## محلی برای تامل و تعامل

سعید خورشیدی
مسئول شورای سیاست‌گذاری دوازدهمین جشنواره مردمی فیلم عمار

**از فقدان عدالت رسانه‌ای رنج می‌بریم**

جشنواره عمار از فضای رسانه‌ای خاصه سینمایی کشور، آسیب‌شناسی دارد و طبق آن تلاش می‌کند در جهت رفع کاستی‌ها و نقایص گام بردارد. این روزها از فقدان عدالت رسانه‌ای رنج می‌بریم چون اقشاری از جامعه ایران در آن بازنمایی نمی‌شوند و به دنبال آن، نقاط قوت و ضعف‌های جامعه روایت نمی‌گردد. طی ادوار گذشته عمار، تلاش شده تا در جهت بازنمایی جمهور جامعه ایران در قاب رسانه و سینما گام‌هایی برداشته شود که موفقیت‌های نسبی کسب شده اما قطعا به تلاش و مجاهدت با قدرت و قوت بیشتری نیاز است. به عنوان مثال از فیلم‌هایی که برای جشنواره ارسال شده است مکان و لوکیشن روستا بسامد معناداری دارد.

در حوزه نقد درون گفتمانی تلاش شده درعین حال که طرح مسئله می‌شود مخاطب را برای حل این مسائل به مطالبه‌گری فرا خوانیم. به عنوان نمونه در جشنواره امسال فیلمی در مورد کارگران هپکو داریم که نشان می‌دهد چگونه مسئله‌ای در حوزه بی‌عدالتی و تبعیض را می‌شود، برطرف کرد و مسایل این صنف را نیز دید.

**امسال جشنواره علوم انسانی را کلید زدیم**

امسال آغاز جشنواره علوم انسانی عمار را نیز داریم که با هدف حل مسائل و کاستی‌هایی که در انقلاب اسلامی با آن روبه‌رو هستیم، شروع به کار می‌کند. اساسا پدیده‌های اجتماعی به صورت شبکه‌ای درهم تنیده‌اند و زمانی که به سراغ نهاد علم می‌رویم و در تئوری و تحلیل‌های فعالان علوم اجتماعی و انسانی ورود می‌کنیم باز هم با آسیب‌هایی تقریبا مشابه روبه‌رو هستیم. یعنی بخش‌هایی از جامعه ایرانی اسلامی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

عنوان عمار دلالت بر نوعی گردهمایی دارد و عمار باید تبدیل شود به محلی برای تامل و تعامل فعالان حوزه هنر و اندیشه و رسانه. اگر نگاهی به ترکیب داوران سال‌های گذشته جشنواره در بخش‌های مختلف بیندازید ما با تنوعی از تخصص‌ها و حوزه‌های تخصصی روبه‌رو هستیم که این ناشی از نگاه عمار است که سینما را صنعت، رسانه و هنر می‌دیده و تلاش داشته گسل‌های جامعه ایران خاصه گسل هنر و اندیشه و هنر و رسانه را علاج کند. امسال در این مسیر گام قوی و منسجمی برداشتیم و از دل جشنواره عمار، جشنواره جدیدتری با عنوان جشنواره علوم انسانی را کلید زدیم.

امیدواریم این بستر بتواند فضای جدیدی در حوزه علوم انسانی و علوم اجتماعی برقرار کند و بتوانیم در راستای تحقق آرمان‌ها و اهدافی که در حوزه علم بر دوش دغدغه‌مندان و فعالان انقلاب اسلامی است، کمکی کند.

بازخوانی هویت عمار

# عمار و راه‌های نرفته

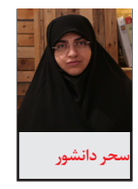

سحر دانشور

جشنواره عمار در حوزه زنان چه می‌تواند بکند؟ برای این پرسش باید به نسبت میان عمار و موضوعات مربوط به حوزه زنان نگاه کرد و اولویتهایی که می‌تواند به عمار کمک کند را پیش روی نهاد:

**- توجه به موضوعات مربوط به زنان**

بدون شک بخشی از مطالبات موجود در لایه‌های زیرین جامعه و در میان مردم معمولی، مسائل مربوط به حوزه زن و خانواده است. مسائل و مطالباتی که هرازچندگاهی به واسطه برخی رسانه‌ها و همچنین رسانه‌های شخصی زنان کنشگر که در سال‌های اخیر در حال تبدیل شدن به تریبونی قابل توجه است پررنگ شده و گاه در مسیری غیر از مسیر مناسب امتداد می‌یابد. سکوت جریانات حامی انقلاب و کم‌توجهی به این موضوعات می‌تواند نقش آفرینی جریانات معاند را پررنگ‌تر کرده و حتی به مسئله‌سازی‌های بی‌مورد دامن بزند. از سوی دیگر سکوت جریانات متعهد و دلسوز مردم، زمینه‌ساز انحراف مطالبات حقیقیِ زنان را فراهم آورده و آنها را به بازیهای سخیفِ سیاسی بدل می‌کند، به نحوی که مطالباتِ حقیقیِ زنان در چنین بازی‌های سخیفی به محاق رانده می‌شود. در چنین شرایطی ضروری است جریانات مطالبه‌گر حقیقیِ مردمی در زمین مطالبات زنان باشیم.

**- پرداختن به چهره زن جوان انقلاب اسلامی**

جشنواره عمار علی‌رغم توجه به زنان نسل اولِ انقلاب اسلامی، به زنان جوانِ انقلاب اسلامی، بررسی و بازنمایی شاخص هایِ ایشان، مسائلِ مربوط به زیست فردی و اجتماعی آنها و موضوعاتی که می‌تواند مخاطب را با چهره زنِ نسل سوم و چهارم انقلاب اسلامی آشنا کند کم‌توجه بوده است. در حقیقت ما با تصویرِ خاصی از زنِ جوانِ امروزِ انقلاب اسلامی در عمار مواجه نیستیم. مسئله‌ای که دامنگیر اکثر فعالین متعهد به آرمانهای انقلاب اسلامی بوده و هست. زنان در این حوزه یا به تعبیر برخی منتقدینِ بی‌صورتند و یا در حاشیه و یا حذف. در بهترین حالت زنانِ مطلوب در همان چهره زنان نسل اول بازنمایی می شوند، حال آنکه باید بتوان به شکل گیری تحرکات زن جوان انقلاب اسلامی در دهه چهارم و دهه‌های آینده کمک کرد و به شکل گیری تصویرِ این زن در رسانه‌ها کمک کرد.

**- توجه دختران جوان و نوجوان**

نپرداختن به حوزه دختران، ایده‌آل‌های فکری، مسائل، قهرمانان و حتی الگو برای دختران جوان و نوجوان نکته دیگری است که می‌تواند طیف مهمی از جامعه را از جریان عمار حذف کند. نیاز دختران نوجوان و جوان به شناخت خود، فهم هویت خویش و همچنین یافتن قهرمان و الگویی متناسب با خود که بتواند آنها را در مسیر رشد و هویت‌یابی یاری کند، نیازی بدیهی است. این جریانِ سینمایی می‌تواند با ورود به این مقوله در شکل گیری ابعاد دیگری در درون خود به مواجهه خود با سطوح مختلف قشری و سنی و مسائلشان وسعت ببخشد. از آنجا که جشنواره عمار، جریانی متقابل میان مردم و متولیان برگزاری است، می‌توان حمایت و توجه ویژه جشنواره به معدود فیلمسازانِ زن حاضر در ادوار جشنواره را زمینه‌ساز برطرف شدن بخشی از نقاط ضعف ذکر شده دانست. تمرکز ویژه بر زنان فیلمساز، ایجاد ارتباط وثیق میان آنها و اکران‌کنندگان، حمایت ویژه از سوژه های زنانه و طرح موضوعات مربوط به زنان در سرفصل‌های هرساله جشنواره می‌تواند به تدریج در شکل‌گیری نگاه ویژه جشنواره به زنان موثر باشد.

> باید بتوان به شکل گیری تحرکات زن جوان انقلاب اسلامی در دهه چهارم و دهه‌های آینده کمک کرد و به شکل گیری تصویر این زن در رسانه‌ها کمک کرد.

## معرفی کتاب تاریخ شفاهی

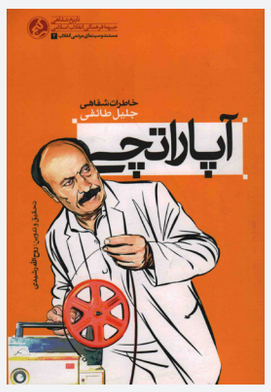

**«آپاراتچی»**

خاطرات شفاهی جلیل طائفی اسدی، عکاس و فیلمساز تجربی انقلاب را روایت می‌کند.

«آقاجلیل» رنج ساخت فیلم‌های بلند را با ابتدایی‌ترین امکانات به جان خریده و با زحمت زیادی برای مردم نمایش داده است، برای مردمی که نه تنها سینما ندیده بودند بلکه حتی داشتن تلویزیون هم برایشان آرزو بوده است. او قصه‌های انقلاب را به جاهایی برده است که مردم آن مناطق، با گذشت چند سال از پیروزی انقلاب اسلامی، هنوز در جریان بسیاری از وقایع جامعه انقلابی‌شان قرار نداشتند. جلیل طائفی، بدون داشتن سواد خواندن و نوشتن، دوربین دست گرفته و در دهه شصت، فیلم‌هایی مانند «از جان گذشتگان»، «نوری در تاریکی»، «حسرت آزادی» و... ساخته و این فیلم‌ها را شهر به شهر، روستا به روستا، مسجد به مسجد و مدرسه به مدرسه برده و برای مردم به نمایش گذاشته است.

«آقاجلیل» تمام این کارها را با پول شخصی انجام داده و علاوه بر کارگردانی فیلم‌های انقلابی، نقاشی ساختمان و عکاسی هم انجام می‌داده تا بتواند خرج خود و خانواده‌اش را در بیاورد.

محقق و نویسنده: روح‌الله رشیدی

انتشارات: راه یار

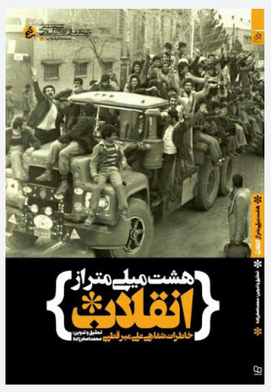

**هشت میلی متر از انقلاب: خاطرات شفاهی علی میر قطبی**

کتاب «هشت میلی‌متر از انقلاب» خاطرات شفاهی علی میرقطبی از مستند «انقلاب در سبزوار» توسط دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی تولید و از سوی دفتر نشر معارف به چاپ چهارم رسید.

کتاب «هشت میلی‌متر از انقلاب» به خاطرات شفاهی علی میرقطبی از نحوه ساخت مستند «انقلاب در سبزوار» می پردازد که با دوربین هشت میلی‌متری خود از تمامی اتفاقات راهپیمایی مردم سبزوار علیه رژیم پهلوی فیلم گرفته است.

علی میرقطبی در این مستند تظاهرات مردم، سفر علما به اسفراین و ششتمد و شهادت مردم در روزهای نهم و دوازدهم محرم ۷۵ را به تصویر کشیده و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی فیلم را تدوین می کند.

کتاب «هشت میلی‌متر از انقلاب» روایتی از رویدادهای تأثیرگذار تاریخی سبزوار در ماه‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی است و در این اثر روند فیلم‌سازی مستند در بحرانی‌ترین روزهای شرایط کشور در سال ۷۵ در قالب خاطرات علی میرقطبی مرور شده است.

محقق و نویسنده: محمد اصغر زاده

انتشارات: نشر معارف

# فانوس

ویژه نامه دوازدهمین جشنواره مردمی فیلم عمار
سردبیر: علی هاجری

تحریریه: زهره طاهری-نرگس اسکندری-فرانک صف آرا- مریم مرادی-سارا همتیان- مهرزاد قوی فکر-محمدعلی بخشی پور
صفحه آرایی:علی سواری

باتشکر از: حمید صالحی-میلاد جعفرپور-ابوالفضل افضلی-عارف جعفری-مجید مرادقلی پور-رسول احمدی-هادی سلامات-منیره زین العابدینی- مرضیه خنافره و رضا صادقیان

ویژه‌نامه دوازدهمین جشنواره مردمی فیلم عمار | ویژه نامه افتتاحیه، ۱۸ دی ۱۴۰۰


گفت‌وگو

## تولید انیمیشن یک کار انقلابی است

مصطفی حسن‌آبادی؛ داور بخش پویانمایی

آثار امسال جشنواره، در بخش پویانمایی، نسبتاً خوب بودند؛ اما می‌توانستند از نظر تکنیک و فرم قوی‌تر باشند. آثار خوبی هم وجود داشت. بحثی که وجود دارد این است که باید ارتباطی بین تولیدکنندگان و سفارش‌دهندگان ایجاد کرد. به‌واسطهٔ این ارتباط، هم خودشان سریع پیشرفت می‌کنند و هم آثار حرفه‌ای‌تری تولید می‌شود. این تولیدکنندگان، دغدغه و مشکلاتی داشتند که خودمان در سال‌های قبل، با آن‌ها دست‌وپنجه نرم کرده بودیم. با حمایت، این دوستان مسیر پیشرفت را سریع‌تر طی می‌کنند و آثار مقبول‌تری را در جشنوارهٔ سال آینده می‌بینیم.

تولید انیمیشن یک کار انقلابی است؛ زیرا با توجه به پروسهٔ طولانی تولید و هزینه‌های سنگین، باید جهادی کار کرد. بیشتر تیم‌های انیمیشن نیز انقلابی هستند که با تمام توان و حداقل امکانات کار می‌کنند. برای حمایت از این گروه‌ها راه‌های مختلفی وجود دارد؛ دوستان حوزهٔ هنری سعی می‌کنند با شعار تولیدهای خارج از پایتخت، این اتفاق را رقم بزنند. این حمایت در جشنوارهٔ عمار خیلی بهتر اتفاق می‌افتد. با توجه به توقعات کمی که این قشر دارد، محصولات می‌توانند اثرگذار و پرنفوذ باشند. قطعاً انیمیشن می‌تواند بازوی مستحکمی برای رسانه‌های تولیدی عمار باشد و امیدوارم که این اتفاق در سال‌های آینده بیفتد. خیلی از آثار شاید قابلیت پخش در تلویزیون و سینما، به‌صورت خاص، نداشته باشند؛ اما جشنواره و عماریار می‌تواند انگیزهٔ مضاعفی برای بچه‌های انیمیشن رقم بزند.

## از انتقاد به عمار تا عمار انتقادی

گفت‌وگو با محمد ساسان؛ داور بخش فیلم ما

کسی که عمار را از دوره‌های اول دنبال کرده باشد، حتماً شاهد رشد چشمگیر این جشنواره، در کیفیت برگزاری و آثار ارائه‌شده، هست. با وجود اینکه جشنوارهٔ عمار در ابتدا با وضعیت قابل‌نقدی آغاز شد، امروز به جایگاه درخوری رسیده است. خیلی‌ها، حتی اگر بروز ندهند، اخبار جشنواره را پیگیری می‌کنند. عمار، فیلم‌سازان و کسانی را که در آینده می‌توانستند در این فضا به‌طور جدی کار کنند، معرفی کرد. امسال به‌دلیل بیماری کرونا و تبلیغات کم عمار، تعداد آثار کم بوده است. برای ما همین مهم است که آن آدم دغدغه داشته که از زادگاهش حرفی به ما بزند. از این نگاه، همهٔ آثار بخش فیلم ما شایستهٔ تقدیرند؛ ولی ما از لحاظ کیفی سطوح مختلفی داریم: از آماتور گرفته تا حرفه‌ای. خوب است با فیلم‌سازهای آماتور هم تماس بگیرند یا یک دورهٔ آموزشی در شهرستان برایشان گذاشته شود. یک دعوت ساده هم در اختتامیهٔ جشنواره خیلی می‌تواند بهشان انگیزه و امید بدهد؛ اما این تصور اشتباه است که اگر کسی در جشنوارهٔ عمار تأیید شد، قطعاً فیلم‌ساز بی‌نظیری است. خیلی از آثار برتر جشنوارهٔ عمار هم، به‌لحاظ فرمی، ایرادهای عمده‌ای دارند. هنرمند و فیلم‌ساز بعد از جشنواره ممکن است در فضاهای جدی‌تر و وسیع‌تری شرکت کند و آنجا، در مقایسه با آثار دیگر، حرفی برای گفتن نداشته باشد. به نظرم، این آگاهی باید به فیلم‌سازها داده بشود.

## شبکهٔ ملی نماهنگ

گفت‌وگو با محمدمهدی سیار، داور بخش نماهنگ

دستاورد مهم عمار، خلق نیروی انسانی است. عمار مانند یک خیمه همهٔ افراد را با دیدگاه مشابه اما با فرم و مهارت و سلیقهٔ مختلف، دور هم جمع کرده است. اگر این خیمه حذف شود، نه جشنوارهٔ فجر می‌تواند جایش را بگیرد و نه مستند حقیقت.

در کل، آثار امسال از نظر کمیت و کیفیت خیلی ارزشمند بود. شیوهٔ هم‌نشینی شعر با موسیقی و تصویر دارد به بلوغ می‌رسد. از شهرستان‌ها هم آثار خودجوش خوبی داشتیم که تولیدکنندگان با توانایی و بضاعتی که داشتند، وارد این کار شدند.

سفارش‌های هنری درخور توجهی از سازمان‌هایی مثل مأوا، آستان قدس، بسیج و صداوسیما داشتیم. کارگردان‌های خوب و شاعرهای توانمندی را شاهد بودیم. در نماهنگ‌ها آثار مطلوبی برای حاج قاسم سلیمانی و شهید علی لندی داشتیم که مورد تقدیر ویژهٔ هیئت‌داوران هم قرار گرفت. به مشکلات معیشتی مردم و مسائل بین‌المللی پرداختیم و نیز سرودهای چندزبانه با زبان بوسنیایی و انگلیسی تولید شد. بُعد بین‌المللی، از نظر کمی و کیفی، هنوز جا برای رشد دارد و به نظرم، ما هنوز در رسیدن به ایده‌ای استاندارد برای ساخت نماهنگ ضعف داریم و توان ادبی شاعران امروز، بیش از چیزی است که امروز در نماهنگ‌ها می‌بینیم. به نظرم، جا دارد صداوسیما یک شبکهٔ نماهنگ راه بیندازد. این ایده باعث ایجاد انگیزهٔ دوباره برای تولید خواهد بود.

## داوران افتتاحیه

### فیلم ما

### نماهنگ

### برنامه تلویزیونی

### فیلمنامه

### پویانمایی

گفت‌وگو

# اکران های مادرانه

گفت‌وگو با زهرا آراسته‌نیا؛ اکران کنندهٔ برتر خوزستان در دزفول

زهرا آراسته‌نیا، متولد ۱۳۶۱ است. تحصیلات او کارشناسی برق الکترونیک از دانشگاه آزاد دزفول، کارشناسی فلسفه و حکمت اسلامی از دانشگاه شهید چمران اهواز و دانشجوی ارشد شیعه‌شناسی دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران است. فعالیت اصلی او خانه‌داری و شاعری است. خانم آراسته‌نیا از دورهٔ پنجم جشنوارهٔ عمار، اکران کنندهٔ فعال بوده است.

**» از چه زمانی همکاری شما با جشنوارهٔ عمار شروع شد؟**

من از ابتدا با جشنوارهٔ عمار آشنا بودم؛ اما همکاری‌ام از دورهٔ پنجم بود. شروع همکاری من به این صورت بود که تبلیغ تلویزیونی جشنواره را برای جذب اکران کنندگان دیدم. از همان موقع مرا به دوستان عمار اهواز وصل کردند و فیلم‌ها را از آن‌ها می‌گرفتم. از آنجا شروع شد که من و دخترم اکران‌های مختلفی را در مدرسه و جمع‌های خانوادگی انجام می‌دادیم. دخترم علاقه‌اش از من بیشتر بود و قبل از این که من چیزی بگویم در سایت ثبت‌نام کرده بود.

**» فیلم‌ها را در کجا اکران می‌کردید؟**

در دورهمی‌های خانوادگی، مساجد، دانشگاه، بسیج و در مجموعه‌های مختلف دیگر. در هر جایی که فعالیت داشتم سعی می‌کردم اکران را کنار آن بگذارم. تاکنون تلاشم بر این بوده که محتواهای مناسب را برای سنین مختلف به نمایش درآورم. از فیلم‌های سینمایی گرفته تا فیلم کوتاه، هر هفته دوسه تا اکران داریم؛ اما با شروع بیماری کرونا، اکران‌های ما هم تعطیل شد. تصمیم گرفتم که اکران آنلاین انجام دهم؛ اما آن هم مشکلات خودش را داشت. سرعت کم اینترنت و وقفه‌ای که بین اکران‌ها می‌افتاد باعث شد تا بازخورد خوبی از اکران آنلاین نداشته باشیم. الحمدالله، امسال با رعایت نکات بهداشتی توانستیم دوباره اکران را شروع کنیم.

**» بیشتر چه موضوعاتی مدنظر شما بود؟**

سعی می‌کنم فیلم‌هایی را که قصد دارم اکرانشان کنم، خودم ببینم و مخاطب خاصش را پیدا کنم. با توجه به جوّ جامعه فیلم‌ها را انتخاب می‌کردم؛ مثلاً در دوره‌ای فیلم‌های مدافع حرمی خواهان داشت و در دوره‌ای مردم طالب مستندهای روشنگرانه و مسائل سیاسی بودند. در هر جمعی که می‌رفتم با توجه به آن‌ها فیلمی را انتخاب می‌کردم که به ذائقه‌شان بخورد و بتواند اطلاعاتی به اطلاعات آن‌ها اضافه کند.

**» بازخورد مردم از دیدن فیلم‌ها چه بود؟**

خوب بود. خیلی دوست داشتند. اگر مستندی را می‌دیدند، می‌گفتند ای کاش ما هم بتوانیم فیلم بسازیم و حرفمان را به گوش مسئولین برسانیم. بیشترین استقبال مردم از مستندهای سیاسی بود. مستندهایی که سندی از تاریخ جهان یا تاریخ معاصر کشور خودمان را برای مردم شرح می‌داد. فیلم‌های سینمایی چند سال اخیر هم خیلی عالی بود و با استقبال بی‌نظیر مردم روبه‌رو شدیم. فیلم‌هایی مانند منطقهٔ پروازممنوع و بیست‌وسه نفر و همین اواخر فیلم منصور. واقعاً فکر نمی‌کردم چنین استقبالی شود و ما در ایام کرونا هجده اکران در دزفول داشتیم.

**» تا الان چه مشکلات و چالش‌هایی در اکران فیلم‌ها داشته‌اید؟**

بیشترین مشکل ما تهیهٔ سالن است. بعضی وقت‌ها هم سالن گیرمان می‌آید؛ اما کیفیت فیلم را پایین می‌آورد. سالنی که امکانات خوبی دارد، هزینه‌اش سنگین است و قبول نمی‌کنند که با تخفیف در آن اکران داشته باشیم. بهترین سالن‌ها هم سینماهای شهر هستند که به ما نمی‌دهند؛ با اینکه می‌دانند ما اکران کنندهٔ مردمی هستیم و منفعت مالی برایمان ندارد. بعضی از مسئولین هم برای حل مشکلات، ما را یاری نمی‌کنند.

**» در جشنواره چه ضعف و قوت‌هایی دیدید؟**

کیفیت فیلم‌ها یک مقدار پایین است. موضوعات و دغدغهٔ مردم در فیلم‌ها بیان می‌شود؛ ولی واقعیت این است که مخاطب امروز هرچقدر تشنهٔ فیلم و موضوع خوب باشد، انتظار کیفیت خوب دارد؛ چون فیلم‌های مختلف را دیده است و مقایسه می‌کند. هرچقدر هم بگوییم فیلم‌سازهای خوب دربارهٔ این موضوعات فیلم نمی‌سازند و رسالت جشنوارهٔ عمار هم بر همین موضوع است، برایشان پذیرفتنی نیست؛ مخصوصاً الان که وارد پول‌سازی شدیم و اکران‌ها رایگان نیست، مخاطب انتظار دارد فیلم‌باکیفیت‌ببینند.

قوت آن هم در دلی کارکردن است. در همین اکران‌های مردمی، من می‌گردم جامعهٔ موردنظر را برای فیلم پیدا می‌کنم. فیلم را توضیح می‌دهم و حتی شده اشکالاتش را هم می‌گویم. یک بار گروه نوجوانی می‌خواستند برای نمایش یکی از فیلم‌ها بیایند و تعداد زیادی هم بودند؛ ولی من به آن‌ها گفتم که فیلم مناسب سنشان نیست و نباید ببینند.

**» چه افقی را برای جشنوارهٔ عمار می‌بینید؟**

موضوعات فیلم‌ها بسیار خوب است. کیفیت که بالا برود، کم‌کم، به آن سینمای انسان‌سازی که هدف سینمای اسلامی‌انقلابی بوده است می‌رسیم. عمار مسیر را درست رفته است و دیگر مرحلهٔ جذب مخاطب را گذرانده است. الان باید به حفظ مخاطب و انتخاب فیلم باکیفیت توجه شود. البته در منطقهٔ پروازممنوع نشان داد که خوب می‌تواند این کار را انجام بدهد؛ به شرط اینکه فیلم‌های باکیفیت قبول شوند و بقیهٔ افرادی که قصد فرستادن اثر دارند خودشان را بالا بکشند و فیلم‌ساز انقلابی تربیت شود. همهٔ ما باید در ذهنمان باشد که قرار است عمار انقلاب شویم. وقتی این را با خودمان مرور کنیم، سختی‌ها آسان می‌شود.

گزارش تصویری

## نشست خبری

معرفی کتاب

## کتاب سینما مردم

کتاب سینما مردم که معین عارفی جمع آوری آن را بر عهده داشته، کتاب جلد سوم از مجموعه کتاب‌های جشنواره عمار است که یادداشت‌های نظری کارشناسان فرهنگی و سینمایی درباره جشنواره مردمی فیلم عمار را در برمی‌گیرد. این کتاب در چهار فصل نوشته شده است که بخش اول تحلیل جشنواره ،بخش دوم مردم‌شناسی جشنواره، بخش سوم آیین جشنواره و بخش چهارم در نگاه اهالی سینما را شامل می‌شود.

به کوشش: معین عارفی
انتشارات: راه یار

## «لذت سادگی» | خاطراتی از اکران کنندگان جشنواره مردمی فیلم عمار

جشنواره عمار حاصل به هم رسیدن توان‌ها و فرصت‌هایی بود که خیلی قبل‌تر هم وجود داشت. اما کسی آنها را نمی‌دید و به کار نمی‌گرفت. برای شناخت بهتر زمینه‌های شکل گیری و ابعاد و ویژگی‌های این حرکت، قبل از آنکه ذهن‌های چهارچوب بندی شده، به تفسیر غلط و کلیشه‌ای آن بپردازند، باید آن را با ماجراهای خودش ثبت و عرضه کرد. «اکران کننده‌های عمار» که تعدادشان بعد از ده دوره برگزاری، به چند هزار نفر رسیده و «اکران‌های مردمی» که عددش بسیار زیاد است، مهم‌ترین بخش و وجه تمایز جشنواره عمار با چهارچوب‌های رسمی و رایج سینماست.

«لذت سادگی» تلاشی است برای نشان دادن این بخش از جشنواره، با روایت ماجراهایی که از همین اکران‌ها، توسط خود اکران کنندگان بیان می‌شود. ماجراهایی که اغلب از مدرسه‌ای در یک روستا یا مسجد محله‌ای در یک شهر بدون سینما شروع می شوند.

«لذت سادگی»؛ روایت‌ها و خاطره‌های ۷۵فر از اکران کنندگان مردمی فیلم‌های جشنواره در دوره‌های اول تا ششم است.

به کوشش: بهرام سلیمانزاد، رسول احمدی و علی عربی
انتشارات: راه یار